

## بسم الله الرحمن الرحيم

تاریخ: ۱۳۹۱/۰۱/۲۱

### موضوع: ادله شهادت ثالثه (۳)

اعوذ بالله من الشيطان الرجيم بسم الله الرحمن الرحيم و به نستعين و هو خير ناصر و معين الحمد لله و الصلاة على رسول الله و على آله آل الله لا سيما على مولانا بقیة الله و اللعن الدائم على أعدائهم أعداء الله الى يوم لقاء الله بحث ما در رابطه با شهادت ثالثه بود. در ادامه مباحث رسیدیم به این سؤال که آیا شهادت ثالثه جزء شعائر مذهبی است یا شعائر دینی!! در جواب این سؤال عرض کردیم مذهب شیعه جدای از مذهب و دین اسلام نیست و اسلام جدای از مذهب شیعه نیست.

اسلام و تشیع دو روی یک سکه هستند. فرهنگ تشیع در زمان نبی گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) و از زبان آن بزرگوار مطرح شده و چیزی نیست که بعد از پیغمبر اکرم آمده باشد.

در این زمینه عده‌ای تخرص به باطل می‌کنند و ادعا می‌کنند کلمه تشیع بعد از قضیه سقیفه، بعد از قضیه قتل عثمان، بعد از واقعه کربلا یا بعد از قضیه صفین آمده است. تمامی این ادعاها رمی به باطل هست. حتی بعضی می‌گویند تشیع بعد از دولت صفوی تأسیس شده است! به این معنا که قبل از دولت صفوی خبری از تشیع نبوده است! ما عرض کردیم روایات متعددی در منابع اهل سنت وارد شده است که نبی گرامی اسلام می‌فرماید:

«ان هذا (علی) و شیعته لهم الفائزون»

الشوکانی، محمد بن علی بن محمد (متوفای ۱۲۵۵هـ)، فتح القدير الجامع بين فني الرواية والدراية من

علم التفسير، ج ۵، ص ۴۷۷، ناشر: عالم الكتب

### « أنت و شيعتك يوم القيامة راضين مرضيين »

يا على! فردای قیامت تو و شیعیانت از خداوند راضی هستید و خدا هم از شما راضی است.

الدر المنثور، اسم المؤلف: عبد الرحمن بن الكمال جلال الدين السيوطي، دار النشر: دار الفكر - بيروت -

١٩٩٣، ج ٨، ص ٥٨٩، باب البينة: (١ - ٧) لم يكن الذين... ..

همچنین «طبرانی» از «ابو سعید خدری» از قول «ام سلمه» نقل می‌کند که پیغمبر اکرم به علی بن ابی طالب فرمود:

### «أنت و شيعتك في الجنة»

المعجم الأوسط، اسم المؤلف: أبو القاسم سليمان بن أحمد الطبراني، دار النشر: دار الحرمين - القاهرة

- ١٤١٥، تحقيق: طارق بن عوض الله بن محمد، عبد المحسن بن إبراهيم الحسيني، ج ٦، ص ٣٥٤، ح

٦٦٠٥

این روایت همچنین در کتاب «تاریخ بغداد» جلد ١٢ صفحه ٣٥٣ و کتاب «مجمع الزوائد» اثر «هیثمی» جلد ٩ صفحه ١٧٣ نقل شده است.

روایت دیگری در کتاب «المعجم الاوسط» اثر «طبرانی» جلد ٧ صفحه ٣٤٣ نقل شده است که پیغمبر اکرم به علی بن ابی طالب فرمود:

### «أنت معي وشيعتك في الجنة»

المعجم الأوسط، اسم المؤلف: أبو القاسم سليمان بن أحمد الطبرانی، دار النشر: دار الحرمین - القاهرة  
- ۱۴۱۵، تحقیق: طارق بن عوض الله بن محمد، عبد المحسن بن إبراهيم الحسینی، ج ۷، ص ۳۴۳، ح

۷۶۷۵

عرض کردیم این روایات حدود ۴۱ یا ۴۲ روایت است. اگر تک تک روایات ضعیف هم باشد، حکم این احادیث به تعبیر آقایان اهل سنت «یؤید بعضها بعضاً» است و مطلب تمام است.

از دیدگاه شیعه وقتی یک روایت از مرز سه سند تجاوز می‌کند، مستفیض می‌شود و روایت مستفیض چنین است که اگر سندهای آن ضعیف هم باشد، مطلب تمام است و در احادیث مستفیض دنبال بررسی سند نمی‌گردند.

همچنین «ابن خلدون» که چهره‌ای ضد شیعی است، در کتاب «تاریخ ابن خلدون» جلد ۳ صفحه ۲۱۵ صراحت دارد که اصلاً قضیه مذهب تشیع و دولت تشیع از روزی آغاز شد که نبی گرامی اسلام از دنیا رفت و مردم سراغ ابوبکر رفتند.

«أن جماعة من الصحابة كانوا يتشيّعون لعلی و یرون استحقاقه علی غیره»

جمعی از صحابه شیعه علی بن ابی طالب بودند و علی را مستحق خلافت می‌دانستند، نه غیر او را.

«ولما عدل به إلی سواه تأفوا من ذلک وأسفوا له مثل الزبیر ومعه عمار بن یاسر والمقداد بن الأسود  
و غیرهم»

افرادی مانند «زبیر»، «عمار بن یاسر»، «مقداد بن أسود» و دیگران در خانه علی جمع شدند و تصمیم بر برگرداندن خلافت به علی بن ابی طالب را داشتند.

مقدمة ابن خلدون، اسم المؤلف: عبد الرحمن بن محمد بن خلدون الحضرمي، دار النشر: دار القلم -

بيروت - ١٩٨٤، الطبعة: الخامسة، ج ٣، ص ٢١٥، باب مبدأ دولة الشيعة

«ابو حاتم رازی» زیدی هست. گفتنی است تمایل زیدی‌ها به اهل سنت بیش از تمایلشان به شیعه هست. البته زیدی‌ها فرق متعددی دارند به طوری که بعضی از فرق آن‌ها بسیار تندرو و بعضی از فرق آنان بسیار تفریطی هستند، اما عقاید آن‌ها با عقاید شیعه سازگاری ندارد. ایشان در «کتاب الزینة» صفحه ٢٥٩ نقل می‌کند:

«الشيعة لقب لقوم كانوا قد ألفوا أمير المؤمنين علي بن أبي طالب - صلوات الله عليه - في حياة رسول

الله - صلى الله عليه وسلم - وعرفوا به»

شیعه لقب کسانی بود که با امیر المؤمنین علی بن ابی طالب در زمان حیات رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم) الفت داشتند و به محبت علی شناخته می‌شدند.

«مثل سلمان الفارسی، وأبی ذر الغفاری، والمقداد بن الأسود، وعمار بن یاسر، وكان يقال لهم شيعة علي و أصحاب علي»

به افرادی مانند سلمان فارسی، ابی ذر غفاری، مقداد بن اسود، عمار بن یاسر شیعه علی و اصحاب علی می‌گفتند.

کتاب الزینة، ابوحاتم رازی، ص ٢٥٩

بنابراین مشخص شد در زمان پیغمبر اکرم افرادی بودند که به این‌ها شیعه علی می‌گفتند و چنین نیست که مذهب شیعه بعد پیغمبر مکرم پیدا شده باشد.

آقای «محمد کرد علی» یکی از شخصیت‌های برجسته اهل سنت در کتابی به نام «خط الشام» می‌نویسد:

«عرف جماعة من كبار الصحابة بموالاته علي في عصر رسول الله صلى الله عليه وسلم»

تعدادی از صحابه در عصر رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم) به موالات علی شناخته شده بودند.

حال موالات علی به معنای محبت علی است یا ولایت علی؟ بحث محبت علی بن ابی طالب معنا ندارد، زیرا خداوند متعال می‌فرماید:

(وَ الْمُؤْمِنُونَ وَ الْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ)

مردان و زنان با ایمان ولی (و یار و یاور) یکدیگرند.

سوره توبه (۹): آیه ۷۱

اما در اینجا ظاهراً موالات همان ولایت به معنای قبول ولایت امیرالمؤمنین می‌باشد. «سلمان فارسی» می‌گفت:

«بايعنا رسول الله على النصح للمسلمين»

ما با پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) بیعت کردیم که مسلمانان را نصیحت کنیم.

«والا ائتمام بعلى بن أبى طالب والموالاة له»

و علی بن ابی طالب را امام خود قرار دهیم و ولایت ایشان را سر دهیم.

همچنین «ابو سعید خدری» می‌گفت:

«أمر الناس بخمس فعملوا بأربع وتركوا واحدة»

صحابه به پنج چیز امر شدند، در حالی که به چهار مورد عمل کردند و یک مورد را ترک کردند.

«ولما سئل عن الأربع قال: الصلاة والزكاة وصوم شهر رمضان والحج»

از ابو سعید خدری در مورد آن چهار مورد سؤال شد و او گفت: نماز و زکات و حج و روزه ماه رمضان.

«قيل: فما الواحدة آلتى تركوها؟»

مرد پرسید: آن موردی که مردم آن را ترک کردند، کدام است؟!

«قال: ولاية على بن أبي طالب»

ابو سعید خدری گفت: ولایت علی بن ابی طالب.

«قيل له: وإنما لمفروضة معهن»

مرد پرسید: آیا ولایت علی بن ابی طالب هم در ردیف واجبات مردم است؟!

«قال: هي مفروضة معهن»

ابو سعید خدری گفت: قسم به خدای کعبه بله.

«و مثل أبى ذر الغفارى و عمار بن ياسر و حذيفة بن اليمان و ذى الشهداءين خزيمة بن ثابت و أبى أيوب

الأنصارى و خالد بن سعيد بن العاص و قيس ابن سعد عبادة و كثير أمثالهم. و من أرادهم فليراجع كتاب

الدرجات الرفيعة لابن معصوم»

افرادى مانند «ابوذر غفارى»، «عمار ياسر»، «حذيفة بن يمان»، «خزيمة ذوالشهادتين»، «ابو ايوب

انصارى»، «خالد ابن سعيد»، «غيث بن سعد» در زمان پیغمبر اکرم به شیعه، موالی و پیرو علی بن ابی

طالب شناخته شده بودند.

جالب اینجاست که ایشان می گوید:

«أما ما ذهب إليه بعض الكتاب من أن أصل مذهب التشيع من بدعة عبد الله ابن سبأ المعروف بابن

السوداء فهو وهم»

بعضی از نویسندگان که گفته‌اند: "شیعه ساخته و پرداخته ذهن عبدالله بن سبا است" خیال است و آن‌ها دچار وهم شدند.

«و قلة علم بحقيقة مذهبهم»

این حرف نشانگر این است که نویسندگان به حقیقت مذهب شیعه آگاهی ندارند.

«و من علم منزلة هذا الرجل عند الشيعة وبراءتهم منه ومن أقواله وأعماله»

مردم باید جایگاه عبدالله بن سبا را نزد شیعه بدانند و ببینند شیعیان از او و اعمال او برائت می‌جویند.

«وكلام علمائهم في الطعن فيه بلا خلاف بينهم في ذلك، علم مبلغ هذا القول من الصواب»

هرکسی آگاه باشد که علمای شیعه در مذمت عبدالله بن سبا اجماع دارند، می‌فهمد که این گفتار چقدر ارزشمند است.

الكتاب: خطط الشام، المؤلف: محمد بن عبد الرزاق بن محمد، كرد على (المتوفى: ١٣٧٢ هـ)، الناشر:

مكتبة النوري، دمشق، الطبعة: الثالثة، ١٤٠٣ هـ - ١٩٨٣ م، ج ٦، ص ٢٤٥ و ٢٤٦، باب الشيعة

به عقیده او اگر کسی جایگاه «عبدالله بن سبا» را نزد تشیع بداند، می‌فهمد که این حرف فاقد ارزش علمی است. دقت داشته باشید «محمد کردعلی» نویسنده این کتاب، شیعه نیست. همچنین در کتاب «تاریخ شیعه» اثر «محمد حسین مظفر» این مطالب بیان شده است. «مسعودی» شخصی که نسبت به شیعه بودن یا سنی بودن او اختلاف نظر وجود دارد، می‌نویسد:

«فأقام أمير المؤمنين عليه السلام و من معه من شيعته في منزله»

پس از وفات پیغمبر اکرم، امیرالمؤمنین و شیعیان در منزل آن بزرگوار جلسه تشکیل دادند.

اثبات الوصية، نویسنده: مسعودی، علی بن حسین، ص ۱۴۶، باب فی الحوادث آلتی اعقبت وفاة النبی

«زبیر»، «سلمان» و دیگران در این جلسه حضور داشتند، اما زمانی که ابوبکر متوجه شد به عمر بن خطاب دستور داد که آن‌ها را برای بیعت بیاورید. حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) جلوی در بودند که عمر بن خطاب گفت:

«وَاللَّهِ لَأُحْرِقَنَّ عَلَيْكُمْ أَوْ لَتُخْرَجَنَّ إِلَيَّ الْبَيْعَةَ»

به خدا سوگند یا خانه را به آتش می‌کشم یا برای بیعت بیرون می‌آید.

بحار الأنوار، نویسنده: مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، محقق / مصحح: جمعی از محققان، ج ۲۸،

ص ۳۳۸، ح ۵۹

حضرت فاطمه زهرا هم برگشتند و به افرادی که در خانه بودند، فرمودند: عمر بن خطاب اینگونه قسم می‌خورد و به قسم خود هم عمل خواهد کرد. یعنی از این مرد هرچه بگویند، ساخته است.

«نوبختی» یکی از بزرگان شیعه و اگر اشتباه نکنم پسر عموی نایب سوم حضرت ولی عصر (ارواحنا فداه) می‌باشند. ایشان می‌نویسد:

«إن أول فرق الشيعة، وهم فرقة علي بن أبي طالب، المسمون شيعة علي في زمان النبي وبعده»

اولین فرقه‌ای که از شیعیان معروف است، فرقه‌ای است که در زمان رسول اکرم به نام شیعه علی شهرت داشتند.

«معروفون بانقطاعهم إليه والقول بإمامته»

آن‌ها تنها به علی بن ابی طالب نگاه می‌کردند و قائل به امامت او بودند.



## أضواء على عقائد الشيعة الإمامية، نویسنده: الشيخ السبحانی، ص ۲۳، ح ۴

بنابراین مسئله مذهب شیعه با اسلام چنین نیست که اسلام یک چیز باشد و مذهب شیعه چیزی دیگر باشد. تشیع، شیعه، دوستداران و قائلان به امامت امیرالمؤمنین از زمان پیغمبر اکرم کاملاً مشخص بودند. حال مذهب شیعه را با دیگر مذاهب مقایسه کنید.

اولین مذهب اهل سنت مذهب حنفی است. «ابو حنیفه نعمان بن ثابت» متوفای ۱۵۰ هجری یک قرن و نیم بعد از نبی گرامی اسلام است. دومین مذهب اهل سنت مذهب مالکی است و رئیس مذهب «مالک بن انس» متوفای ۱۷۹ هجری است.

سومین مذهب اهل سنت مذهب شافعی است و رئیس مذهب «محمد بن ادریس شافعی» متوفای ۲۰۴ هجری است. چهارمین مذهب اهل سنت مذهب حنبلی است و رئیس مذهب «احمد بن حنبل» متوفای ۲۴۱ هجری است.

حال شما مذهب شیعه را با دیگر مذاهب مقایسه کنید. البته عزیزان در نظر داشته باشند مذاهب اهل سنت در آن عصر حدود دوازده مذهب بود. در فرصتی مناسب بنده مذاهب اهل سنت از عصر ائمه اطهار (علیهم السلام) تا قرن هفتم هجری را بیان خواهم کرد.

اهل سنت تا قرن هفتم هجری مذاهب مختلف و متعددی داشتند، اما در قرن هفتم دولت مصر مشاهده کرد این مذاهب مختلف مشکل ساز شده‌اند. هرکسی به فتوای یک مذهب عمل می‌کند، هرکسی به فتوای یک مذهب قضاوت می‌کند، هر فرمانده‌ای به فتوای صاحب یک مذهب دستور می‌دهد و خلاصه اداره کردن کشور با وجود ده الی دوازده مذهب مشکل بود. دولت مصر دستور داد کسانی که می‌خواهند قضاوت کنند، باید به یکی از این چهار مذهب «حنفی»، «مالکی»، «شافعی» و «حنبلی» ملتزم باشند. همچنین کسانی که غیر از این مذهب هستند، حق قضاوت ندارند.

کسانی که می‌خواهند تدریس کنند، باید یکی از این چهار مذهب را داشته باشند. دولت مصر از جایی شروع کرد که کمتر از دو سه دهه تمام مذاهب را کنار زدند و این چهار مذهب در قرن هفتم جزء چهار مذهب رسمی اهل سنت شناخته شدند.

ولی مذهب شیعه در زمان نبی گرامی اسلام به این شکل آمده است. اهل سنت در مورد اینکه ابوبکر اولین خلیفه است اتفاق نظر دارند، اما بحث سر این است هرکدام از اهل سنت روش یکی از صاحبان مذاهب را قبول دارند.

شخصی ادعا می‌کند که من حنفی مذهب هستم. حنفی مذهب به این معناست که به گفتار «ابو حنیفه» عمل می‌کند.

شخص دیگری ادعا می‌کند که من مالکی مذهب هستم به این معنا که تابع عقیده و گفتار «مالک بن انس» هستم. هرچه گفته عمل می‌کنم. اگر گفته دست بسته نماز بخوان؛ می‌گویم چشم! اگر گفته دست باز نماز بخوان می‌گویم چشم! اگر گفته بعد از حمد آ «ین بگو؛ می‌گویم چشم! در این صورت این شخص گفتار و نظر «مالک بن انس» را ملاک کارهای خود قرار می‌دهد. این افراد کاری ندارند که ابوبکر و عمر چه گفتند و چه نگفتند.

یکی از بزرگان اهل سنت به نام «مراغی مصری» که ما اطلاعاتی از او در دست نداریم، روایتی در این زمینه دارد. معروف است که او کتابی به نام «السلافة فی أمر الخلافة» دارد که هنوز به چاپ نرسیده است. او می‌نویسد مردی خدمت پیغمبر اکرم آمد و عرض کرد:

«یا رسول الله إن أبا ذر یذکر فی الأذان بعد الشهادة بالرسالة الشهادة بالولاية لعلی (علیه السلام)»

یا رسول الله! ابوذر موقع اذان بعد از شهادت به رسالت، شهادت به ولایت را هم می‌گوید.

«قال صلى الله عليه وآله وسلم: كذلك، أو نسيتم قولي في غدیر خم: (من كنت مولاه فعلى مولاه)؟»

السلافه فى امر الخلافة، عبدالله مراغى، ص ۳۲، خطى، کتابخانه ظاهرية دمشق

همچنين روايت ديگرى نقل مى کند و مى نويسد:

«(دخل رجل على رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم، فقال: يا رسول الله! إني سمعت أمرا لم أسمع قبل

ذلك»

مردى خدمت پيغمبر اکرم آمد و عرض کرد: امروز چيز عجيبى شنيدم که قبلاً نشنیده بودم.

«فقال صلى الله عليه وآله وسلم: ما هو؟»

پيغمبر اکرم (صلى الله عليه وآله وسلم) فرمود: چه چيزى شنيدى؟!

«قال: سلمان قد يشهد فى أذانه بعد الشهادة بالرسالة، الشهادة بالولاية لعلى عليه السلام»

مرد گفت: سلمان بعد از شهادت به رسالت شهادت به ولايت على بن ابى طالب مى دهد.

«قال صلى الله عليه وآله وسلم: سمعت خيرا!»

پيغمبر اکرم فرمودند: چيز خوبى شنيدى.

السلافه فى امر الخلافة، عبدالله مراغى، ص ۳۲، خطى، کتابخانه ظاهرية دمشق

نکته بعد بدعت‌هایی است که آقایان اهل سنت در اذان گذاشتند و به ما می‌گویند: چرا شما در اذان شهادت

ثالثه را اضافه کردید!! قضايا و بدعت‌هایی که علمای اهل سنت در اذان گذاشته‌اند یک مورد، دو مورد یا سه

مورد نیست، بلکه موارد متعددی دارد.

والسلام عليكم و رحمة الله و بركاته